

تبیین حقوق بشر در آموزه‌های دینی

سیدمعصوم حسینی^۱

^۱عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

نویسنده مسئول:

سیدمعصوم حسینی

چکیده

حقوق بشر از اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی و فطری از آن بهره‌مند می‌شود. از منظر اسلام انسان موجودی ارزشمندی است که باید به عنوان یک موجود با شعور و دارای اراده و اختیار به دیده احترام به او نگریست. مقاله حاضر که با روش توصیفی و تحلیلی و با هدف پاسخگویی به این سوالات که آیا اساساً در اسلام به مساله حقوق بشر توجه شده است؟ مبانی آن کدامند؟ روند تحول حقوق بشر در تاریخ اسلام چگونه بود؟ و در نهایت آیا انسان حق تدوین حقوق بشر را دارد؟ نگاشته شده است. دست‌آوردهای زیر حاصل این تحقیق می‌باشد که: در قرآن کریم به مساله حقوق بشر توجه ویژه شده است و تئوری حقوق بشر در دو بخش تاریخ تکوین و تاریخ تدوین حقوق بشر تقسیم گردید و مبانی آن در اسلام عبارتند از: حق حیات، حق آزادی، عدالت و ... و در نهایت به این نتیجه دست یافتیم که انسان نمی‌تواند حقوق بشر را تدوین کند.

واژگان کلیدی

قرآن، حقوق، حقوق بشر، اسلام، تاریخ

مقدمه

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری و به صرف «انسان بودن» از آن بهره‌مند می‌شود. این تعریف ساده عواقب و بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومتها به دنبال دارد. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهان شمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم پیوستگی و درهم تنیدگی را دارا است. از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ کس را نمی‌توان به صرف منطقه جغرافیایی که در آن زیست می‌کند از حقوق بشر محروم کرد ضمن این که همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت و غیره در برخورداری از این حقوق با هم برابر و یکسانند و در این خصوص کسی را بر دیگری برتری نیست. این حقوق شامل حقوق طبیعی یا حقوق قانونی که در قوانین ملی و بین‌المللی موجودند می‌شود.

دکترین و فعالین حقوق بشر در فعالیت‌های بین‌المللی خود در زمینه حقوق بین‌الملل، نهادهای جهانی و منطقه‌ای، سیاست‌های دولتی و در فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی، اساس و شالوده‌ی سیاست‌های عمومی و اختصاصی در این زمینه را بنا نهاده است. در واقع می‌توان گفت در صورتی که جامعه جهانی در فضای صلح، با یک زبان مشترک اخلاقی، گفتگو و مباحثه کنند این زبان مشترک اخلاقی، در واقع، حقوق بشر نامیده می‌شود. با این وجود هنوز امروزه دکترین حقوق بشر، نظریه‌هایشان را در این مورد با شک و تردید بیان می‌کنند و مباحثه آنان بیشتر در زمینه محتوا، ماهیت، و چگونگی توجیه حقوق بشر است. در واقع پرسش بحث‌برانگیز همانا خود معنای حق یا حقوقی است که باید به رسمیت شناخته شود و این بحث در گفتمان‌های فیلسوفان همچنان ادامه دارد. جوامع انسانی همواره نیازمند قانونی سودمند است که ناشی از قانون منابع ذاتی و طبیعی انسان باشد و از خلقت و شخصیت انسان سرچشمه بگیرد. روشن است که اطاعت از چنین قانونی که مطابق با فطرت است واجب می‌باشد. از آنجا که اعتقاد ما بر این است که اسلام دینی مطابق با فطرت است به بررسی حقوق بشر از دیدگاه اسلام می‌پردازیم که پیشینه به قدمت اسلام دارد. دین اسلام از ابتدا به دنبال حق و حقیقت بود و همواره برای انسان جایگاهی بلند در نظر داشت. کوشش ما نیز در این نوشتار این است که بخشی کوچک از دریای عظیم مطالب را در این باره بیان نماییم.

مفهوم شناسی

برای دریافت مفهوم صحیحی از حقوق بشر از منظر اسلام، باید مفهوم حق و بشر و دیدگاه اسلام نسبت به آن مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم حق

حق از نظر لغت

۱- به معنای «ثابت» (نقیض باطل: (مدرسی، ۱۳۷۵، ص ۲۵)

۲- به معنای «توانایی و اختیار قانونی افراد»: (واحدی، ۱۳۷۶، ص ۱۳)

۳- به معنای «قرار گرفتن چیزی در موضع خودش، که آن موضع برای وی در نظر گرفته شده است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۰۱)

۴- در فرهنگ‌های فارسی نیز حق به معنای «راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب، کاری که البته واقع شود و ... یاد شده است». (عمید، ۱۳۶۹، ذیل واژه حق)

حق از نظر اصطلاح

حقوق (جمع حق)، مجموعه مقرراتی است که در زمان معین بر جامعه ای حکومت می‌کند. تا آن جا که تاریخ به یاد دارد، انسان همواره در بند این گونه الزام‌ها بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۳۲)

حقوق، مجموعه قواعد، نظام‌ها و مقرراتی است که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم وضع گردیده و دارای ضمانت اجرایی کافی و مؤثر است. (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۳۶)

حق، در علوم گوناگون استعمال می‌شود. گاهی معنای آن در یک اصطلاح با معنای آن در اصطلاحی دیگر متفاوت است، لذا ما به بعضی از اصطلاحات حق در برخی از علوم به عنوان نمونه یک تعریف را ارائه خواهیم نمود.

«حق» در اصطلاح فلسفی

در آثار فیلسوفان مسلمان، معانی متعددی برای «حق» بیان شده است، به عنوان نمونه:

«مطلق وجود که در خارج فعلیت دارند» (رضانژاد، ۱۳۷۱، ص ۳۰۷)

این معنا علاوه بر حکیم ملاهادی سبزواری از حکمای دیگر نقل شده است. (دینانی، ۱۳۷۶، ص ۸۳)

«حق» در اصطلاح حقوقی

حوزه حقوق از حوزه‌هایی است که فراوان به بحث حق پرداخته است. حقوقدانان در بحث‌های حقوقی مباحث مختلفی درباره «حق» مطرح کرده‌اند، به عنوان نمونه:

«حق» در اصطلاح حقوقی، مفهومی اعتباری است، بدین معنا که این مفهوم، به هیچ وجه مابازاء عینی خارجی ندارد. تنها در ارتباط با افعال اختیاری آدمیان مطرح می‌شود. انسان‌ها از آن جایی که دارای اختیار هستند لاجرم دسته‌ای از کارها را باید انجام داد، دسته‌ای دیگر را نباید انجام دهند و از انجام آن صرف‌نظر کنند. با توجه به همین «باید»ها و «نباید»های حاکم بر رفتار انسان‌ها، مفاهیمی از قبیل: «حق» و «تکلیف» اعتبار می‌شود. مثلاً وقتی گفته می‌شود: حق خیار، حق شفعه، و یا حق زن و مرد و به عکس، همین مفهوم اعتباری مورد نظر می‌باشد.

سپس با توج به آن گذشت، در تعریف حق می‌توان گفت: «حق امری است اعتباری که برای کسی (لّه) بر دیگری (علیه) وضع می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۶)

«حق» در اصطلاح فقهی

«حق» در اصطلاح فقهی و در کلام فقها دارای معانی مختلف است که ما در اینجا دیدگاه یکی از فقهای بزرگ جهان تشیع را بیان می‌داریم:

آیه... خوئی(ره) می‌نویسد:

«حق» نوعی از سلطنت است که امور آن به دست «مَنْ لَهُ الْحَقُّ» می‌باشد. (خوئی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۳)

«حق» در اصطلاحات فقهی اغلب به معنای «سلطنت» آمده است. این معنا از آیه شریفه: «مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا». (اسرا/۳۳)

هر، مظلوم کشته شود، به سرپرست وی سلطنت و قدرتی داده‌ایم نیز استفاده می‌شود. زیرا مراد از سلطنت در این آیه شریفه، سلطنت و امتیازی است که ولی دم، در قصاص از قاتل و یا گرفتن دیه از او می‌توان اعمال نماید.

«حق» در اصطلاح سیاسی

بین اصطلاح حقوقی و اصطلاح سیاسی، در تعریف «حق» تفاوتی وجود دارد و آن این است که:

در اصطلاح حقوقی، حقوق و وظایف افراد و گروه‌ها به عنوان انسان‌هایی که موجودند و هر انسان ذی حیاتی برای تدام حیاتش از حقوق انسانی و الهی برخوردار است نگاه می‌شود. اما در اصطلاح سیاسی، نوع نگاه به مسأله حق در نحوه مناسبات و تعامل میان حکومت و ارکان و اجزاء آن با مردم شکل می‌گیرد.

سپس در اصطلاح سیاسی «حق» به معنای امتیاز، و جمع آن حقوق است. امتیاز عبارت است از: تبلور عنصر یا عناصری از توانایی بهره‌گیری فرد یا جمعیتی از آن چیزی که سزاوار آن است. (فرهیخته، ۱۳۷۷، ص ۳۵۲)

«حق» در اصطلاح قرآن کریم

مفهوم «حق» در قرآن کریم به معانی مختلفی بکار رفته است، در قرآن کریم ۲۴۷ بار واژه «حق» به کار رفته است. حدود ده درصد از آنها مربوط به حق به مفهوم حقوقی می‌باشد و در موارد دیگر معانی دیگری استفاده شده است. پس معانی «حق» در قرآن کریم در دو دسته قابل ذکر خواهد بود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۳۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۸)

الف) معانی غیر حقوقی حق در قرآن

۱- گاهی حق در قرآن، به مثابه صفت برای خدای متعال بکار رفته است. به عنوان مثال: «ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ» (حج/۶۲) این بدان سبب است که خدا حق است.

۲- درباره، کارهای خداوند به معنای فعل حکیمانه استعمال شده است. (روم/۸)

۳- گاهی به معنای هدایت آمده است. (یونس/۳۲)

۴- به عنوان وصفی برای دین خدا: (فتح/۲۸)

۵- به معنای وحی، (فاطر/۳۱)

۶- به معنای قصص، (آل عمران/۶۲)

۷- به معنای حکم، (ص/۲۶)

۸- و ...

ب) معانی حقوقی «حق» در قرآن

در مواردی که در قرآن واژه «حق» در معنای حقوقی (حق داشتن) استعمال شده است، اغلب به یکی از دو صورت ذیل به کار رفته است.

۱- گاهی به عنوان صفتی برای فعل انسان مکلف آمده است.

«ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ» (بقره/۶۱): (... این بدان سبب بود که به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند) در آیه شریفه، خداوند، عمل کشتن پیامبران را تقبیح نمود، و این فعل را «ناحق» معرفی فرموده است. این عمل از آن جهت که از لحاظ حقوقی برای یهودیان ثابت نبوده است و آنان حق انجام آن را نداشتند مورد مذمت قرار گرفته است. همچنین آیات: آل عمران/۲۱-۱۱۲ و ۱۸۱- نساء/۱۵۵ - انعام/۱۵۱- اسراء/۳۳- فرقان/۶۸- اعراف/۳۳- یونس/۲۳- شوری/۴۲ به این معنا اشاره دارند.

۲- در مواردی از آیات قرآن واژه «حق» به همان معنای حقوقی به کار رفته است. مانند آیه شریفه:

«... فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ...» (بقره/۲۸۲): (... پس آن را بنویسیدن و باید نویسنده‌ای در میان شما متن قرار داد را به حق و عدل بنویسد...)

همچنین آیات دیگر: ذاریات: ۱۹؛ معارج: ۲۴ و ۲۵؛ انعام: ۱۴۱؛ اسراء: ۲۶؛ روم: ۳۸؛ به این معنا دلالت دارند.

معنای بشر

بشر از نظر لغوی: به معنای انسان است.

از نظر اصطلاحی: از دیدگاه اسلام، انسان موجودی ارزشمند است که باید به عنوان یک موجود باشعور و دارای اراده و اختیار و به دیده احترام به او نگریست. حقیقت بشر، همان فطرت مصون از تبدیل و تغییر است که در اثر ارتباط با خصوصیت های اقلیمی، گوناگون خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۳)

مفهوم حقوق بشر

«حداقل حقوقی که خداوند به انسان از آن جهت که انسان است و فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، اوضاع و احوال متغیر اجتماعی با میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی او اعطا کرده است». (باقر زاده، ۱۳۸۳، ص ۳۵)

حقوق بشر؛ عبارت از مجموعه اصول پذیرفته شده ای است که از طبیعت انسان ناشی شده و ذاتی بشر تلقی می گردد. (ابوسعیدی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۱)

پیش فرض های حقوق بشر در اسلام

- حقوق بشر را در اسلام با پیش فرض های ویژه اش می توان در دو بُعد نظری و عملی مورد مطالعه قرار داد.
- ۱- مبانی فلسفی و عقیدتی بسیاری از اصولی که به نام حقوق بشر مطرح می گردد و حتی مفاهیم برخی از این اصول از دیدگاه اسلام با آن چه که در تفکر غربی تحت همین عناوین ارائه می شود متفاوت و احياناً فاقد مشترکات اصولی است.
 - ۲- بحث از حقوق بشر در اسلام، صرفاً یک بحث انفعالی و تطبیقی نیست با مراجعه به نصوص اسلام و تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول پانزده قرن می توان به این حقیقت دست یافت.
- «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰): (به راستی ما فرزندان آدم را به موهبت عقل و خرد گرایی داشته و آنان را در دریا بر کشتی ها و در خشکی بر مرکب ها سوار نموده و از خوراکی های مطبوع به آنان روزی داده و آنان را بر بسیاری از کسانی که آفریده ایم چنان که باید برتری بخشیده ایم).
- ۳- اندیشه حقوق بشر در اسلام بر مبنای تفکر توحیدی است نه اومانیسم. آن گونه که در غرب دیده می شود. (زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۱۳)
 - ۴- در تفکر اسلامی انسان آزاد ولی مسئول شناخته شده است و میزان مسئولیت انسان است که حدود آزادی او را تعیین می کند. (زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۵۵۲)
 - ۵- اعتبار حقوق بشر و الزام آور بودن آن، بخاطر آن است که حقوق بشر جزئی از مکتب اسلام و قوانین الهی است و ایمان است که به حقوق بشر اعتبار می بخشد و آن را الزام آور می کند.
- بی شک همه آن چه که تحت عنوان حقوق بشر در اسلام مطرح می شود از احکام تأسیسی اسلام نیست، بلکه بخشی از این مفاهیم جزء احکام امضائی اسلام است که به دلیل منطقی و متناسب بودن با فطرت انسان، مورد تأیید قرار گرفته و از دیدگاه اسلام به عنوان حقوق الزامی بشر شناخته شده است. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۹۸)
- ۶- اسلام این حق و امتیاز بزرگ را برای بشر قایل شده است که قبول دین و تسلیم به شریعت از سوی انسان با عقل و منطق همراه باشد و تبیین دین و شریعت برای انسان به مرحله قابل قبولی رسیده باشد. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ». (بقره/۲۵۶)
- در دین تحمیلی نیست این در حالی است که راه رشد و راه ضلالت آشکار گردیده است.

تئوری حقوق بشر در اسلام

برای شناخت تاریخ تئوری حقوق بشر در اسلام ناگزیر باید آن را به دو بخش تقسیم و هر کدام را بطور جداگانه مورد بررسی قرار داد:

الف) تاریخ تکوین حقوق بشر در اسلام

ب) تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام

تاریخ تکوین مجموعه حقوق اسلام با نزول آیات قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سیره عملی و تقریر آل حضرت ترسیم شده است. به عنوان نمونه به چند مورد از آیات و روایات که در این حوزه وارد شده اشاره می‌گردد.

۱- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/۹۲)

ای مردم به یقین این است نوع شما که همه یک امت هستید و یک هدف را دنبال می‌کنید. سپس پیش از یک پروردگار ندارید و پروردگار شما منم پس مرا بپرستید.

صاحب تفسیرالمیزان می‌فرماید: آیه شریفه مبین این حقیقت است که در تئوری امت در دیدگاه اسلامی، فرد بر حسب ادراک و اراده و اختیار خود و ایمانی که به ارزش‌های والا دارد جزئیت کل (جامعه - ملت - امت) را می‌پذیرد و خود را وقف آن و گاه فدای آن می‌سازد و

این، عالی‌ترین مرحله آزادی بشر محسوب می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۱۲۳)

۲- «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳): (ما انسان را آفریدیم او در سپاسگزاری و ناسپاسی مختار است).

در جهان‌بینی اسلام حق آزادی و اختیار در همه حال برای فرد به عنوان حق غیرقابل سلب ثابت و محفوظ است. و آیه شریفه: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف/۲۹)

دلیل واضحی بر این تفکر است.

۳- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات/۱۳): (ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به صورت تیره‌های گوناگون و قبیله‌ای قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید...)

در دیدگاه قرآن، تفاوت‌ها جنبه ارزشی ندارد. بلکه صرفاً مربوط به پیچیدگی‌های نظام آفرینش و عامل معرفت و رشد فکری انسان می‌باشد.

۴- «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...» (بقره/۲۵۶): (در گرایش مردم به دین اجباری نیست، زیرا راه درست به خوبی از راه نادرست مشخص شده است ...)

نفی اکراه از مقوله حقوقی روشنی است که ضمن تحریم سلب آزادی انسان به صورت یک اصل حقوقی در محاکمات به کار گرفته می‌شود.

۵- حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «كُفِيَ بِأَمْرِ جَهْلًا أَنْ لَا يَعْرِفَ قَدْرَهُ» (دشتی، ۱۳۸۵، خ ۱۶)

جهالت نسبت به موضع و جایگاه اصیل انسان و ارزش والای آن، مایه اصلی همه بی‌عدالتی‌ها و ستم‌ها و عدم شناخت صحیح انسان از خویشتن بوده و تا انسان به شناخت صحیح از خود و دیگران نرسد، نسبت به مسئولیت‌هایش جاهل خواهد بود.

۶- در فلسفه سیاسی اسلام، هدف بعثت انبیاء بازگرداندن انسان‌ها به آزادی است: «فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ إِلَهِ عِبَادَتِهِ». (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه ۱۵۴)

(خداوند پیامبران را مبعوث نمود تا بندگان را از عبودیت بندگان آزاد نماید و به عبودیت‌الله راهنمایی نماید)

و به انسانهایی که به خاطر نیاز کرامت خود را از دست می‌دهند می‌فرماید: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (دشتی، ۱۳۸۵، نامه

۳۱) (بنده دیگری مباش چرا که خداوند تو را آزاد آفریده است).

تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام

با جمع‌آوری آیات قرآن کریم در همان سال‌های نزول قرآن اولین مرحله تدوین حقوق بشر در اسلام انجام گرفت. پس می‌توان تاریخ تدوین حقوق بشر به دهه دوم قرن اول هجری نسبت داد و قرآن را در مقایسه با آن چه که در غرب تحت عنوان حقوق بشر تدوین شده یکی از کهن‌ترین اسناد مدون در حقوق بشر شمرد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹)

با تدوین احادیث و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت و تألیف جوامع حدیث و سیره نبوی، گام دیگری به صورت وسیع‌تر در زمینه تدوین حقوق بشر در اسلام برداشته شد و مبانی و ریشه‌های حقوق بشر در لابلای کتب حدیث و سیره مطرح گردید. با آغاز تدوین فقه و اخلاق، که شکل جامع‌تر آن در قرون سوم و چهارم تجلی نمود، مباحث حقوق بشر در اسلام در کتاب‌های فقهی و اخلاقی این عصر، همچون «مبسوط» شیخ طوسی (ره) به طور استدلالی مطرح و مورد نقد و تحلیل قرار گرفت. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۵)

آزادی بشر و احترام به حقوق و حیثیت ذاتی انسان و دخالت ندادن عوامل عارضی از قبیل نژاد، زبان، رنگ، ملیت و غیره در اعتبار و امتیاز برای انسان‌ها، دقیقاً مورد توجه اسلام است و اساساً فلسفه بعثت پیامبران و به خصوص پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آزاد کردن انسان از این گونه قید و بند و توجه دادن او به حیثیت ذاتی و کرامت و شرافت انسانی خویش است. قرآن در اصل همه انسان‌ها را در گوهر انسانیت و فضیلت و ارزش و حیثیت ذاتی انسان یکی می‌داند و رنگ و نژاد و قومیت و ملیت را به عنوان وسیله تشخیص حساب می‌کند نه امتیاز و برتری. در این قسمت به بعضی از مبانی حقوق بشر در اسلام اشاره می‌گردد.

۱- حق حیات

نخستین حقی که قرآن کریم برای انسان بر شمرد، حق حیات است. حیات خود به خود دو گونه است: مادی و معنوی، هیچکس مجاز نیست حق حیات مادی یا معنوی دیگران را سلب کند. سلب حق حیات مادی با قتل تحقق می‌یابد. در دیدگاه قرآن این کار برابر است با نابودسازی همه جامعه، مگر آن که با دلیل درستی صورت پذیرد. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۲): (هر کس دیگری را جز برای قصاص یا مبارزه با فسادگری بکشد، گویا همه مردم را کشته است).

سلب حق حیات معنوی به وسیله گمراه‌سازی صورت می‌پذیرد. کسی که دیگران را به هر طریق گمراه می‌کند، حیات معنوی آنان را از میان می‌برد. (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۵) از دیدگاه قرآن، حق حیات تنها از طرف خداوند به انسان بخشیده شده است و از این رو تنها خدا می‌تواند در آن تصرف کند. پس هرگونه نابودسازی مادی و معنوی، بدون اذن خداوند چه از سوی خود و چه از سوی دیگران ممنوع است.

۲- حق آزادی

گویاترین سند در این مورد بیان امام علی (علیه السلام) است که خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (دشتی، ۱۳۸۵، نامه ۳۱): (بنده جز خدا مباش زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است) در این پیام، آزادی در رهایی از بندگی غیر خدا خلاصه می‌شود. به همین دلیل، امام علی (علیه السلام) خود عزت و افتخار خویش را در همین آزادی می‌یابد:

«الْإِلَهِ كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۳، ص ۴۲): (خدایا، مرا این بزرگواری بس که بنده توام، و این افتخار مرا بس که تو پروردگار منی)

۳- عدالت

عدالت اصلی‌ترین آرمان بشر و فلسفه بعثت انبیا و سرشت قانون‌مداری است «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵): (به راستی، پیامبران خویش را با نشان‌های روشن و همراه با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم عدل را بر پا دارند)

هیچ اصلی در زندگی فردی و اجتماعی نمی‌تواند این اصل را نقص نماید. اصالت و حقایق حقوق بشر نیز در چهار چوب عدالت پذیرفته شده است. مفهوم این اصل، آن است که حقوق بشر نمی‌تواند از چهارچوب عدالت بیرون باشد، عدالت یکی از معیارهای سنجش حقوق بشر است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۴۴)

حقوق اسلامی، یکی از نظام‌های بزرگ حقوقی دنیاست.

حقوق‌دان بزرگ فرانسوی «رنه داوید» در کتاب مشهور خود «نظام‌های بزرگ حقوق معاصر» فصلی را به شرح نظام حقوق اسلامی، اختصاص داده و می‌گوید:

«نباید تصور کرد که حقوق اسلامی کاملاً به گذشته تعلق دارد، بلکه حقوق اسلامی یکی از نظام‌های بزرگ حقوق جهان امروز است.» (داوید، ۱۹۶۹؛ ۴۷۹)

جرجی زیدان نویسنده معروف مسیحی عرب، در کتاب تاریخ تمدن اسلامی، می‌گوید:

«مسلمین بر مبنای احکام قرآن و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جامعه‌ای نوین را در تمام زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی حاکم ساختند و با مراجعه به قرآن و سنت و استخراج احکام از آن دو، در مسائل احوال شخصیه و معاملات و مسائل حقوقی و کیفری و روابط تجاری، حقوقی، کاملاً راه ترقی را برای خود ایجاد کردند که از بهترین نظام‌های حقوقی دنیا محسوب می‌گردد. (مهرپور، ۷۴، ۳۲)

تحول حقوق بشر در تاریخ اسلام

نکته مهم در تاریخ حقوق بشر در اسلام، روند تحول حقوق بشر در مقام تبیین نظری و عملکردها در تاریخ اسلام می‌باشد. مطالعه تحولات حقوق بشر در این حوزه از دوران حیات پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آغاز می‌شود.

احترامی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به عنوان شخصیت برتر الهی و مقام رسمی سیاسی به انسان‌ها از هر عقیده و رنگ و طبقه اجتماعی، قایل بود و شخصیتی که به زنان داد و اعمال جاهلیت را در زمینه‌های تحقیر و تبعیض و ستم نسبت به انسان‌های محروم نمود در مسیر تاریخ بشری کم‌نظیر است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰)

متأسفانه در دوران خلافت امویها، نظام طبقاتی و اندیشه امتیازطلبی و انحصارجویی ابتدا از طریق تحریف ارزش‌های اسلامی و سپس به اتکا قدرت مالی، نظامی و سیاسی در مناطق به دور از معارف اصیل اسلامی، جایگزین مساوات و آزادی و احترام به حقوق انسان‌ها گردید و خلافت از این اصل اسلامی، منحرف و بسیاری از ارزش‌های اسلامی در زمینه حقوق بشر مورد تحریف قرار گرفت.

بنی‌عباس که ابتدا برای مبارزه با انحصارطلبی و رفتار ضد بشری امویان برخاسته بودند، سرانجام به دلیل ماهیت عوامل موثر در انتقال قدرت به گروه اجتماعی جدید عباسیان نیز به همان راه اسلاف خود گشاده شده و این بار با شیوه‌ای دیگر ارزش‌های اسلامی تحریف و تبعیض و بی‌احترامی و تحقیر به انسان‌ها به صورتی شدیدتر از گذشته اعمال گردید. (زنجانی، ۱۳۷۶، ح ۱۴۶)

تصویر خشن و غیرعادلانه و نقض حقوق بشری که ترک‌های عثمانی از اسلام در دوران حکومت مستبدانه خود ارائه دادند، سال‌های متمادی موجب گردید که اسلام در اندیشه غربیان در شکل یک تهاجم نظامی بی‌رحمانه و رفتار خشونت‌آمیز و تحقیر بشری تصویر شود و تر اسلام با شمشیر پیشرفت کرده است، در اذهان آنها رسوخ نماید. (زنجانی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۷)

در دو قرن اخیر، با کمال تأسف، نفوذ فرهنگ و استعمار غربی اکثر مسلمانان را از هویت اسلامی بیگانه و آنان را به گرایش‌های تجدیدطلبانه و معنای نادرست و روشنفکری و رفتار و تفکر غیرمسئولانه لائیک سوق داد و در حقیقت در قرن اخیر مسلمانان، نه به درستی راه و رسم اسلامی را در زمینه احترام به حقوق بشر داشته‌اند، بلکه رفتار کاملاً غربی را اعمال کرده‌اند. (زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۹) جمهوری اسلامی ایران، بلندترین گام را در تصویر حقوق بشر در اسلام برداشته و در یک فصل جداگانه تحت عنوان حقوق ملت و طی بیش از ۲۴ اصل مسایل حقوق و آزادی‌های اساسی را برشمرده است. (زنجانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۳۶)

آیا انسان حق تدوین حقوق بشر را دارد؟

آیا با صرف تدوین قرارداد می‌توان برای بشر حقی را مطرح کرد و باید و نباید و تکلیفی متوجه او کرد. با این که تعیین این بایدها و نبایدها باید ریشه در آن هست‌ها داشته باشند تا بتوان به آن نام حق بشر را داد؟ آیا خود انسان این توان را دارد که این هست‌ها را بشناسد و براساس آن بایدها و نبایدها و حقوق خویش را تعیین کند؟ یا این که انسان آفرین این صلاحیت را دارد؟

پر واضح است که تعیین حقوق از منظر اسلام وظیفه صاحب شریعت است و در قرآن کریم و سنت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حقوق انسانی به صورت مشروع آمده است. (شعرانی، ۱۳۹۸، ق ۱، ص ۸۴)

پس طرفدار و عهده دار حقوق بشر فقط قرآن مجید است. که منطق وحی است و جوامع روائی از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و بحار و کافی و دیگر اصول و مستندهای اسلامی همه از شؤون قرآن بوده و به یک معنا قرآن متنزل‌اند. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰) مسلماً تبیین اصول و طرق تکامل انسان و حقوق وی باید ماوراءالطبیعی و الهی باشد و این کار توسط ارسال شرایع مختلف صورت گرفته، متن همه این شرایع، دین ابراهیمی است.

«وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (نساء/۱۲۵): (و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی نموده است؟)

«قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ». (انعام/۱۶۱): (بگو: آری، پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است، دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای، و او از مشرکان نبود)

«وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا ۚ قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (بقره/۱۳۵): (و (اهل کتاب) گفتند: یهودی یا مسیحی باشید، تا هدایت یابید؛ بگو: نه، بلکه بر آیین ابراهیم حق‌گرا هستم و وی از مشرکان نبود).

سزاوارترین افراد و شرایع به دین ابراهیمی که دین حنیف اسلام است، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و پیروان او هستند. امروزه از نظر اسلام و قرآن، دین اسلام شایسته‌ترین دین برای تبیین حقوق انسان است. (جعفری، ۱۳۷۰، ص ۸۳)

پس ممکن نیست بدون عنایت به جهان بینی و پیوند انسان با جهان، به تدوین حقوق بشر پرداخت. حامیان همین اندیشه بودند که با صرف قرارداد میان خود، به تنظیم توافقنامه‌ای درباره حقوق بشر پرداختند و آن را «اعلامیه جهان حقوق بشر» خواندند. اینان خواسته یا ناخواسته، از این حقیقت غفلت ورزیدند که امضای چنین توافقنامه‌ای هرگز به صلاح و سود همه یا اکثر مردم جهان نیست. (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۸۹)

اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای ناراستی‌ها و کاستی‌های اساسی است که ریشه در انحراف‌های فکری مکاتب غیردینی دارند و دلیل اصلی ناکامی «اعلامیه جهانی حقوق بشر» را باید در منابع و مبانی حقوق بشر غربی و الحادی جستجو کرد. در این قسمت فهرست‌وار، به برخی از آن کاستی‌ها اشاره می‌گردد.

۳- غفلت از رابطه انسان به خدا

۴- تجربه‌ای تلخ و عبرت آموز (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۷)

نتیجه

از آن چه بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که:

- ۱- حقوق بشر، از اساسی‌ترین حقوقی است که هر فرد بطور ذاتی و فطری از آن بهره‌مند می‌شود.
- ۲- «حق» در علوم مختلف استعمال می‌شود که در هر علمی معنای خاص خود را دارد.
- ۳- در اصطلاح قرآن هم «حق» در معانی مختلف بکار رفته است.
- ۴- بحث از حقوق بشر در اسلام، صرفاً یک بحث انفعالی نیست، بلکه بر مبنای تفکر توحیدی است.
- ۵- حقوق بشر در اسلام، همزمان با نزول قرآن و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ترسیم شده است.
- ۶- مبانی حقوق بشر در اسلام، بر مبنای قرآن و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.
- ۷- علت شکست و ناکارایی اعلامیه حقوق جهانی حقوق بشر، در منابع و مبانی آن است.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۶) شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، تهران، حکمت.
۳. ابوسعیدی، مهدوی (۱۳۴۳) حقوق بشر و سیر تکامل آن در غرب، نشر آریا.
۴. باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۳) جهان شمولی حقوق بشر در اسلام، معرفت فلسفی، ش ۷، قم، موسسه امام خمینی (ره).
۵. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰) نظام جهانی حقوق بشر، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵) فلسفه دین، فلسفه حقوق بشر، اول، قم، اسراء.
۷. (۱۳۸۴) حق و تکلیف در اسلام، تحقیق مصطفی خلیل، قم، اسراء.
۸. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۶۹) انسان و قرآن، تهران، الزهراء.
۹. رضائزاد، غلامحسین (۱۳۷۱) حکیم سبزواری، زندگی، آثار، فلسفه، بی جا، کتابخانه سنایی.
۱۰. رنه داوید (۱۳۶۹)، نظام های بزرگ حقوقی معاصر، مترجم حسین صفایی، مرکز نشر دانشگاهی
۱۱. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۹۸ق) دائره المعارف لغت قرآن مجید، قم، نشر طوبی.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۳. طبری، فضل بن حسن (۱۳۷۳) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۱۴. عمید، حسن، ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی عمید، اول، تهران، مجید.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعی (۱۳۷۶) انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، نشر کتاب سیاسی.
۱۶. (۱۳۸۴) فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر.
۱۷. (۱۳۸۸) مبانی حقوق بشر در اسلام و جهان معاصر، تهران، مسجد .
۱۸. فرهیخته، شمس الدین (۱۳۷۷) فرهنگ فرهیخته، (واژه ها و اصطلاحات سیاسی، حقوقی) تهران، زرین.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷) فلسفه حقوق، اول، شرکت سهامی انتشار.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق) بحار الانوار، انتشارات الوفاء، بیروت.
۲۱. مدرسی، علی (۱۳۷۵) حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر، اول، تبریز، نوبل.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷) حقوق و سیاست در قرآن، نگارش محمد شهبازی، قم، موسسه آموزشی امام خمینی (ره).
۲۳. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۲ق) مصباح الفقاهه فی المعاملات، به قلم میرزا محمدعلی توحیدی، بیروت، دارالهادی.
۲۴. مهرپور، حسین (۱۳۷۴) حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات.
۲۵. واحدی، قدرت الله (۱۳۷۶) مقدمه علم حقوق، دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش.